

نقد و بررسی کتاب فرهنگ آثار

به مناسبت چاپ و انتشار جلد دوم کتاب فرهنگ آثار، نشست‌ی که پس از انتشار جلد اول آن برگزار شد، ارایه می‌شود. نشست نقد و بررسی کتاب فرهنگ آثار با حضور سه تن از اعضای هیئت علمی ترجمه کتاب یعنی رضا سیدحسینی، اسماعیل سعادت و احمد سمیعی در مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر نورالله مرادی، دکتر بهرام مقدادی، کیوان سپهر، مهدی افشار، بهروز فتحی و مینا خواجه‌نوری (مشاور وزیر و رییس مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی) حضور داشتند.

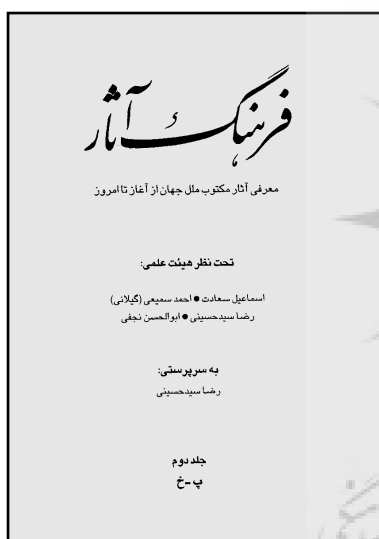
مهدی افشار: فرهنگ آثار شاید از جمله معدود آثار ارزشمندی باشد که به زبان فارسی منتشر شده یا شاید نقطه آغاز چاپ چنین آثار ارزشمندی، انتشار مجلد اول همین فرهنگ آثار باشد. علاقه‌مند بودیم که صاحب‌نظران متعددی به غیر از تدوین‌کنندگان و پدیدآورندگان اصلی کتاب که جناب استاد سیدحسینی، استاد سمیعی و استاد سعادت هستند در جلسه حضور داشتند. جای دکتر نجفی که موفق به دسترسی به ایشان نشدیم، بسیار خالی است. نیز بنا داشتیم که در کنار پدیدآورندگان این اثر گرانقدر، مرجع‌شناسان را که با ادب فارسی ما نوس‌تر هستند، قرار دهیم. جا دارد که حضور دکتر مرادی و دکتر مقدادی را مغتنم بشماریم. بدون تردید انتشار هر کتاب عظیمی چون

فرهنگ آثار مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های اولیه‌ای صورت می‌گیرد و حوادثی در این میان روی می‌دهد که در این شکل‌گیری تأثیر می‌گذارد. از جناب سیدحسینی تقاضا دارم که اندیشه آغاز این کار عظیم و چگونگی شکل‌گیری آن را توضیح دهند.

رضا سیدحسینی: به نام خدا، باید عرض کنم، آن که باید تاریخچه آغاز کار را بگوید، آقای سمیعی است؛ چون فکر آن از آقای سمیعی بود؛ لکن بنده نیز از شکل‌گیری آن مطلع هستم. در آن ایام بنده در دایرةالمعارف اسلام مشغول و عضو هیئت علمی دانشنامه ایران و اسلام بودم. این کتاب برای همه ما آشنا بود. حتی یکی از ناشران بخش خصوصی پیشنهاد ترجمه آن را به من داده بود. اما بنده بانوجه به حجم کار و

هزینه بری آن، ایشان را منصرف کرده بودم و موضوع به کلی فراموش شده بود تا این که در یکی از جلسات شورای کتاب انتشارات سروش، جناب سمیعی ترجمه و انتشار این اثر را به آقای فیروزان پیشنهاد دادند و ایشان نیز پذیرفتند. چند روزی می‌شد که من از همکاری با مرکز دایرةالمعارف اسلام منصرف شده بودم که مرا دعوت به همکاری با شورای کتاب انتشارات سروش کردند. آقای فیروزان برای فراهم کردن امکانات از هیچ تلاشی دریغ نکردند. البته امکانات هم گسترده نبود. بنا را بر آن گذاشته بودیم که در فضای محدودتری مشغول کار شویم. آقای فیروزان هم سنگ تمام گذاشت؛ یعنی سروش از هزینه‌های خود می‌زد و بودجه این کار را فراهم می‌کرد و امکانات در اختیار ما می‌گذاشت.

این کتاب برای همه ما آشنا بود. حتی یکی از ناشران بخش خصوصی پیشنهاد ترجمه آن را به من داده بود. اما بنده با توجه به حجم کار و هزینه بری آن، ایشان را منصرف کرده بودم و موضوع به کلی فراموش شده بود تا این که در یکی از جلسات شورای کتاب انتشارات سروش، جناب سمیعی ترجمه و انتشار این اثر را به آقای فیروزان پیشنهاد دادند و ایشان نیز پذیرفتند



رضا سیدحسینی: اواخر سال ۱۳۶۷. مهدی افشار: لطفاً بفرمایید چند درصد از مترجمان کارشان مورد قبول واقع نشد. رضا سیدحسینی: والله، مترجمان همه خوب بودند؛ آقایان توقعشان خیلی بالا بود. مهدی افشار: توقع امانتداری یا شیوایی کلام یا انتقال فضا سازی متن و...؟ رضا سیدحسینی: در کار دایرةالمعارف معمولاً به این مسائل کمتر توجه می‌شود. مشکل ما به دلیل سنگینی مطالب برخی از مقالات بود که نمی‌شد به دست هر کسی سپرد. برای مثال، ترجمه مقالات مربوط به یونان قدیم، فلسفه قدیم، دین مسیحیت در حد توان شخص دیگری جز آقای سعادت نبود یا بیشتر مقالات مربوط به آثار کلاسیک مهم را آقای سمیعی ترجمه کرده‌اند و

اسلامی که توجه کمتری به آنها شده بود، جزو همین فرهنگ آورده شود. اما در نهایت، همه متفق‌القول شدند که آن را به صورت مستقل درآورند. مسئولیت این کار بر عهده آقای ادکایی گذاشته شد. ایشان فهرستی از هفت هزار عنوان تهیه کردند. پس از آن یک فهرست دو هزار عنوانی استخراج شد و در اختیار نویسندگان قرار گرفت. ابتدا آقای فانی این مسئولیت را به عهده گرفتند؛ ولی چون کارشان زیاد بود، آقای سمیعی عهده‌دار مسئولیت این بخش شدند و هم اینک نیز مطالب این بخش با نظارت و ویراستاری ایشان تهیه می‌شود. گمان می‌کنم جلد اول آثار ایرانی - اسلامی جالب‌تر از این جلد منتشر شده باشد. مهدی افشار: استاد، بفرمایید کار در چه سالی آغاز شد؟

یاد بسزرگ مرد نازنین، شادروان طاهری اراکی افتادم که رییس ما بود. ایشان در سفری به اروپا که از سازمان دایرةالمعارف اسلام بازدید کرده بود، از سادگی و محدود بودن فضای سازمان متعجب شده بود. ما نیز تصمیم گرفتیم در محیطی بدون مقررات و تشریفات دست و پاگیر اداری مشغول کار شویم. هیئت علمی در نشست حدود چهل نفر مترجم را برای همکاری انتخاب و مطالبی را برای ترجمه و ویرایش به آنان ارائه کرد تا در صورت تأیید هیئت، همکاری با آنان استمرار یابد. در واقع، با گزینشی که در این مرحله صورت گرفت، تعداد اندکی از مترجمان برای همکاری انتخاب شدند که کارشان علاوه بر ترجمه روان و مناسب، قابل ویرایش نیز بود. در ابتدا هیئت قصد داشت که آثار ایرانی -



رضا سیدحسینی:
مترجمانی که انتخاب و دعوت به همکاری کردیم، افراد تازه کاری نبودند که ناامیدمان کنند. اینها هر کدام چندین جلد کتاب ترجمه کرده بودند. اما ما مترجمان دقیق تر و پر حوصله تر را برگزیدیم.



احمد سمیعی:
برای ترجمه مقالات فرهنگی لازم است که مترجمان حداقل آشنایی را با فرهنگ زبان های مختلف، فرهنگ آن حوزه داشته باشند؛ یعنی تسلط بر زبان مبدأ و مقصد کافی نیست.



اسماعیل سعادت:
من بدون در نظر گرفتن شیوه نگارش، یک جمله از متن مقصد را با یک جمله از متن مبدأ مقابله و مقایسه می کنم. در صورتی که جمله، مفهوم را رسانده باشد، هیچ تغییری در آن نمی دهم. در غیر اینصورت هر قسمت را که نارسا و نامفهوم باشد، تصحیح می کنم.

همین طور آثار مدرن قرن بیستم را که حتی روخوانی کتاب هایش هم بسیار دشوار است، من به کمک تنی چند از دوستان ترجمه کردم. انتخاب مترجمان به صورت تخصصی بود و با هر مترجمی در حیطه تخصصی اش همکاری می شد؛ مثلاً مرحوم محمود محمودی در زمینه تاریخ با ما همکاری کرد یا مرحوم محمدقاضی که همکاری اش محدود بود به کتاب هایی که خودش ترجمه کرده بود. آثار فلسفی را دکتر طباطبایی ترجمه کرد. پس از ایشان هم آقای دشتیان این کار را ادامه دادند و تمامی اینها زیر نظر آقای سعادت انجام گرفت.

مهدی افشار: جناب سمیعی، معیارتان برای انتخاب مترجم چه بود؟

احمد سمیعی: البته انتخاب مترجمان برعهده آقای سیدحسینی بود. من هم جزو مترجمانی بودم که ایشان انتخاب کردند. اگر ویرایش یک متن ترجمه شده خیلی دشوارتر از ترجمه آن بود، مترجم آن متن را حذف می کردیم. برای ترجمه مقالات فرهنگی لازم است که مترجم حداقل آشنایی را با فرهنگ زبان های مختلف، فرهنگ آن حوزه داشته باشند؛ یعنی تسلط بر زبان مبدأ و مقصد کافی نیست. برخی مترجمان به زبان مبدأ و مقصد تسلط کافی داشتند یا به زبان مقصد تسلط داشتند، زبان مبدأ را هم چون مطلب درک و ترجمه شده بود، می شد ویرایش کرد. اما اگر شما به فرهنگ آن زبان یا به فرهنگ آن حوزه معرفت نداشته باشید، به هنگام ترجمه دچار اشتباه های فاحش خواهید شد. یکی از مشکلاتی که در همان مرحله اول پیش می آید، ترجمه عنوان کتاب است. برای عنوان کتاب نمی توان یک ترجمه را محتمل دانست؛ از عنوان یک کتاب می توان ترجمه های مختلفی کرد. برای انتخاب عنوان مناسب با متن کتاب، مترجم باید با خود کتاب آشنایی داشته باشد یا درباره آن کتاب مطلبی خوانده باشد. بنابراین، این نوع ترجمه، ساده نبوده است. ترجمه کتاب های فلسفی مستلزم این است که مترجم اصطلاحات فلسفی را بداند؛ یا درخصوص آثار کلاسیک مربوط به حوزه های مختلف معارف انسانی چون طب، ریاضی و... اگر کسی با اصطلاحات آن علم مانوس نباشد، در کارش موفق نخواهد شد. برخی مواقع برای ترجمه هریک از این مقالات لازم است که مترجم تحقیق کند. من خود در مقالات مربوط به اساطیر یونان بارها مجبور شده ام که درباره ضبط های گوناگون اسامی تحقیق کنم و این وقت زیادی گرفته است. بسیاری از مترجمان حاضر به این کار نیستند؛ یا وقت این کار را ندارند یا همتش را. این گونه مشکلات همیشه در کار ترجمه هست. ملاک ما این بود که مترجم با زبان مبدأ و مقصد و فرهنگ

آن حوزه علمی آشنا باشد و همت تحقیق هم داشته باشد.

مهدی افشار: آیا موردی پیش آمد که از کار یک مترجم ناامید شوید یا این که مترجمی که چندان امیدی به کارش نداشتید، امیدوارتان کند؟
رضا سیدحسینی: مترجمانی که انتخاب و دعوت به همکاری کردیم، افراد تازه کاری نبودند که ناامیدمان کنند. اینها هر کدام چندین جلد کتاب ترجمه کرده بودند. اما ما مترجمان دقیق تر و پر حوصله تر را برگزیدیم. برخی از مترجمان هم بودند که به مرور تبخیر لازم را کسب کردند. فرهنگ آثار موجب شد که ما چندین همکار مترجم توانا پیدا کنیم.

مهدی افشار: نام جناب سعادت برای من همیشه مترادف با ویرایش است. جناب استاد، شما با ویرایش کار مترجمان چه مشکلاتی داشتید؟

اسماعیل سعادت: البته کار من فقط ویرایش نیست. در کنار ویرایش کارهای بسیار دیگری هم می کنم. اما درباره کار مترجمان باید بگویم که معدودی از ترجمه ها را برای این که لازم بود جمله به جمله با متن اصلی مقابله کنیم، کنار گذاشتیم و از نو ترجمه کردیم که این کار سهل تری بود. اما مترجمانی که توانایی از خودشان نشان دادند به همکاری خود ادامه دادند.

مهدی افشار: ویرایش متون ترجمه شده دو بخش دارد: در یک بخش، شما بدون ارجاع به متن اصلی، متن ترجمه شده را ویرایش می کنید و بخش دیگر آن، مقابله با متن اصلی است. اگر متن انگلیسی در اختیار من باشد، سعی خواهم کرد که مطلب را اصلاح کنم، بدون این که ساختار جملات آن را به هم بریزم؛ زیرا اطمینان دارم به محض این که دست به تغییر عبارات و جملات بزنم باید تا پایان پیش بروم؛ چون زاویه دید، شیوه بیان و نگاه تغییر کرده است. اصولاً شما برخورد ویراستار با متون ترجمه شده را چگونه می بینید؟

اسماعیل سعادت: من بدون در نظر گرفتن شیوه نگارش، یک جمله از متن مقصد را با یک جمله از متن مبدأ مقابله و مقایسه می کنم. در صورتی که جمله، مفهوم را رسانده باشد، هیچ تغییری در آن نمی دهم. در غیر اینصورت هر قسمت را که نارسا و نامفهوم باشد، تصحیح می کنم.

مهدی افشار: فهم مطلب در متن ممکن می شود و نه به طور مستقل. در یک متن از منظری نگاه می شود و در متنی دیگر از منظری دیگر. اگر مترجم از یک زاویه دیگر نگاه کرده باشد و در واقع در یک فضای دیگر باشد، اگر بخواهید از طریق ویرایش، متن را تغییر دهید، اصلاً نخواهید توانست ویرایش را دنبال کنید.
اسماعیل سعادت: فرض کنید شما ویرایش یک



مشخص می‌شد مثلاً با یک ستاره یا نشانه‌ای دیگر؟ نکته دیگر این که ترجمه عناوین کتب بر چه مبنایی صورت گرفته است؟

رضا سیدحسینی: شما نمی‌توانید تصور کنید که در این مدت ما چه گرفتاری‌هایی داشته‌ایم. ما یکی از همکارانمان را مأمور گردآوری عناوین آثار کلاسیک ترجمه شده به فارسی کرده بودیم. ایشان نیز با مراجعه به وزارت ارشاد، فهرست‌های لازم را تهیه کرده و مدت یک ماه مشغول گردآوری عناوین کتب ترجمه شده بود. اما وقتی مدیر اجرایی از موضوع مطلع شد به مخالفت برخاست. او معتقد بود که مدت ده سال است که روی این مجموعه کار می‌شود، بدون این که یک مجلد منتشر شده باشد و این کار بار دیگر زمان انتشار کتاب را عقب‌تر خواهد انداخت. از همین روی موافقت نکرد و کار متوقف شد. این کار ساده‌ترین بخش این فرهنگ بود و مفید هم بود. اما گرفتاری‌های غیرقابل تصور موجب شد که انتشار جلد اول فرهنگ مدت ده سال طول بکشد. ما اکنون کار فرهنگ را تمام کرده‌ایم. تقریباً ترجمه نداریم بجز حدود دویست مقاله‌ای که اصرار داریم از متن آلمانی به کتاب اضافه کنیم و امیدوارم در پایان سال آینده آخرین مجلد فرهنگ نیز عرضه بازار شود. همه کارهای آن انجام شده است.

دکتر بهرام مقدادی: من با دیدن این کتاب یاد

فایده اول این کار، آشنایی خواننده ایرانی با امهات آثار کلاسیک جهان و ترغیب او برای مطالعه کتب موردنظر است

موردنظر است. البته معرفی آثار به نسبت اهمیت‌شان صورت گرفته است و چه بسا درخصوص آثار مهم، خواندن همان مقاله برای خواننده کافی باشد؛ مثلاً اگر کسی کم‌دی‌الهی اثر دانته را نخوانده باشد، مطالعه همان مقاله برای آشنایی با کتاب کافی خواهد بود. نیز ناشران می‌توانند با توجه به این کتاب، آثار برتر ترجمه نشده را گزینش و اقدام به ترجمه و نشر آن کنند. بسیاری از آثار مهم کلاسیک جهان هنوز ترجمه نشده‌اند.

مهدی افشار: جناب سیدحسینی، چرا در این فرهنگ، آثار ترجمه شده به زبان فارسی مشخص نشده است؟ آیا بهتر نبود که به نوعی این آثار

متن فلسفی را به دست گرفته‌اید، در این‌گونه متون تمام اجزای جمله از فعل و فاعل و مفعول مشخص است و شما مجاز نیستید که جمله فلسفی را به صورت جمله ادبی ویرایش کنید یا از منظری دیگر به آن نگاه کنید. ویراستار با توجه به متن اصلی و اصطلاحات فلسفی که در اختیار دارد، متن ترجمه شده را ویرایش خواهد کرد.

و اما درباره سؤالی که از جناب سیدحسینی درباره هدف کار کردید، در تکمیل پاسخ ایشان باید عرض کنم که کار بزرگ، همت بزرگ و بلند می‌طلبد و فرهنگ آثار محصول زحمات سه بزرگمرد بلندهمت، جناب سمیعی، مهندس فیروزان و جناب سیدحسینی بود. همت بلند جناب سمیعی بود که چنین پیشنهاد عظیمی را داد. به نظر من پیشنهاد دادن کار بزرگ نیز همت بلند می‌طلبد. دیگری مهندس فیروزان بود که ایشان نیز با توجه به مشکلات کار و وسعت آن، پیشنهاد جناب سمیعی را پذیرفتند. باید از ایشان سپاسگزار باشیم. نفر سوم، جناب سیدحسینی است که با اینکه یاران‌شان تنه‌ایشان گذاشتند، همچنان کار را ادامه دادند. بنده اعتراف می‌کنم گاهی اوقات که خسته می‌شوم، غسرو لندی می‌کنم؛ اما آقای سیدحسینی همچنان کار را ادامه می‌دهند.

درباره فایده کار، باید عرض کنم که فایده اول این کار، آشنایی خواننده ایرانی با امهات آثار کلاسیک جهان و ترغیب او برای مطالعه کتب



معین که کار فرهنگ‌سازی گروهی شده، کارنامه کار چه بوده است؟ کارهای خوبی صورت گرفته، ولی حاصل چقدر بوده است؟

ناظر بودم که در این اواخر جناب سیدحسینی چه فشارهایی را که متحمل نشدند. مقاومت ایشان در برابر اصرار مسؤولان برای تعجیل در انتشار کتاب ستایش برانگیز بود.

باید بگویم که این کار تنها با عشق و علاقه این اساتید بلند همت و مهندس فیروزان انجام پذیرفت. مهندس فیروزان خیلی جوان و باموی مشکی به سروش آمد و پس از ده سال با موی سپید از سروش رفت. آقای سمیعی و آقای سعادت با عشق این کار را کردند. این کار اصلاً بازده مالی نداشت. اینجا فرصتی است که من تشکر و احترام و ستایش شخصی خودم را نسبت به شخص آقای فیروزان و همه دست اندرکاران فرهنگ آثار عنوان کنم.

دکتر نورالله مرادی: بنده از دوران جوانی شاگرد اساتید محترم بودم. اکنون نیز همچون شاگرد در محضرشان حضور یافته‌ام. حضور جناب آقای سعادت در این مجلس حال و هوای کلاس درس را برایم تداعی کرد.

من نیز کم و بیش از طریق استادان محترم در جریان ترجمه این کتاب قرار داشتم. نکته‌ای هست که می‌خواستم به عرض برسانم و آن

چون در زبان اصلی نام کتاب دیکشنری بود، ما هم آن را به فرهنگ ترجمه کردیم. درباره اسامی متعدد برای یک کتاب باید عرض کنم که چون فرانسوی‌ها نام کتاب‌ها را تغییر می‌دهند، ما نام زبان اصلی کتاب‌ها را انتخاب کردیم

سمیعی پیشنهاد اجرای این کار را دادند، سروش با مشکلات زیادی دست به گریبان بود. زمان جنگ بود و بودجه‌ای برای کار فرهنگی تعلق نمی‌گرفت و واقعاً پیشنهاد کار و پذیرفتن آن از سوی مهندس فیروزان همان همت بلندی را می‌طلبید که جناب سعادت اشاره فرمودند. من بارها شاهد گرفتاری‌های مهندس فیروزان برای تداوم کار بودم. سروش یک مؤسسه انتشاراتی تقریباً نیمه ورشکسته‌ای بود که تازه می‌خواست دوباره جان بگیرد، آن هم در زمان جنگ. شاید اگر آقای سمیعی طرح خود را با مراکز و مؤسسات دیگر در میان گذاشته بودند، امکانات بیشتری به ایشان می‌دادند؛ اما مطمئناً کار این چنین پیش نمی‌رفت. شما ببینید، پس از مرحوم دهخدا و مرحوم دکتر

روزهای تحصیل در خارج از کشور افتادم. ما آن زمان یک درس رمان داشتیم که استاد مطالعه بیست رمان را به دانشجویان توصیه می‌کرد و ما چون آنها را نخوانده بودیم، ابتدا به سراغ کتاب می‌رفتیم که مشابه همین فرهنگ آثار بود. این کتاب حداقل برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی بسیار باارزش و مفید است. البته چون فرهنگ آثار خیلی دیر به دست من رسید، فرصت مناسبی برای مطالعه آن نیافتم. اما برایم این سؤال پیش آمد که آیا بهتر نبود که در کنار معرفی آثار، نقد کوتاهی نیز در رفع ابهامات آثار پیچیده درج می‌شد تا راهگشای مشکلات خواننده در فهم آن اثر باشد؟ مثلاً درخصوص نمایشنامه آخربازی اثر ساموئل بکت، نقد کوتاهی نیز به آن اضافه می‌شد.

رضا سیدحسینی: شما اگر برخی از مقاله‌ها را مطالعه کنید، مسلماً تغییر عقیده خواهید داد. باید عرض کنم که در برخی مقاله‌ها این موضوع رعایت شده و در برخی دیگر رعایت نشده است. مقالات متفاوت هستند. دقت و ظرافت برخی از آنها حیرت‌آور است. در برخی از آنها تنها به ارائه خلاصه‌ای از کتاب اکتفا شده است.

کیوان سپهر: من سال‌های بسیاری ناظر اجرای این کار سترگ بوده‌ام. اتاق من رو به روی اتاق آقای سیدحسینی بود. زمانی که جناب

فرنگستان آثار

معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز

تحت نظر هیئت علمی:

اسماعیل سعادت • احمد سمعی (گیلانی)
رضا سیدحسینی • ابوالحسن نجفی

به سرپرستی:
رضا سیدحسینی

جلد دوم
پ-خ

**من معتقدم که کتاب مرجع را
نمی توان نقد کرد، مگر این که
عمری بر آن بگذرد. اما یکی دو
نکته است که می خواستم عرض
کنم: یکی گله‌ای است که از
ناشر آن برای حاشیه کتاب
داشتیم؛ چنان صرفه جویی کرده
که جایی برای یادداشت کردن
باقی نمانده است**

دیکشنری نیست و کتاب‌شناسی هم نیست؛ یک دایرةالمعارف است. رضا سیدحسینی: چون در زبان اصلی نام کتاب دیکشنری بود، ما هم آن را به فرهنگ ترجمه کردیم. درباره اسامی متعدد برای یک کتاب باید عرض کنم که چون فرانسوی‌ها نام کتاب‌ها را تغییر می‌دهند، ما نام زبان اصلی کتاب‌ها را انتخاب کردیم. برای مثال، همان کتاب داستایوسکی نامش «شیاطین» است، ما «جن زدگان» و «تسخیرشدگان» را هم ذکر کرده به «شیاطین» ارجاع داده‌ایم. برای ضبط اعلام، تلفظ کشور مبدأ را ذکر کرده‌ایم، اما نه مثل مرحوم مصاحب. ما حروف ساکن ابتدای کلمه را نیاورده‌ایم؛ مثلاً در زبان فارسی «ستالین» همیشه «استالین» گفته شده و این نام جاافتاده است یا در مورد واژه‌ها و اسامی یونانی مثلاً «وای» یونانی،

مقایسه این کتاب به منزله یک دایرةالمعارف اختصاصی که به یک نوع رسانه، یعنی کتاب پرداخته با همانند خود در دیگر کشورها و دیگر زبانهاست، در کشورهایی در سطح خودمان و دایرةالمعارف‌هایی که به زبان عربی منتشر شده است. آن هنگام متوجه عظمت کار آقایان سیدحسینی، سمعی، سعادت و دکتر نجفی و دیگر همکاران‌شان خواهیم شد. وسواسی که در تدوین کتاب به خرج رفته، قابل ستایش است. امروز خوشحالیم که در کنار دایرةالمعارف مصاحب به منزله یک دایرةالمعارف عمومی چنین دایرةالمعارف اختصاصی یا تخصصی نیز وجود دارد و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آقای سیدحسینی خودشان بهتر می‌توانند درباره آغاز کارشان با ویرایش اول کتاب فرانسوی و پس از انتشار ویرایش دوم و از سرگیری مجدد کار با ویرایش دوم و چگونگی تبدیل کتاب شش جلدی فرانسوی به دوازده جلد و شروع مجدد کار صحبت کنند.

من معتقدم که کتاب مرجع را نمی‌توان نقد کرد، مگر این که عمری بر آن بگذرد. اما یکی دو نکته است که می‌خواستیم عرض کنیم: یکی گله‌ای است که از ناشر آن برای حاشیه کتاب داشتیم؛ چنان صرفه‌جویی کرده که جایی برای یادداشت کردن باقی نمانده است. اما سؤالی که داشتیم درباره کتاب‌هایی بود که با چند عنوان به فارسی ترجمه شده‌اند. برای مثال، تسخیرشدگان داستایوسکی که با نام جن‌زدگان نیز ترجمه شده است و بلندی‌های بادگیر یا عشق هرگز نمی‌میرد. در این‌گونه موارد چگونه عمل شده است؟ دوم این که آیا جلد آخر ایندکس خواهد داشت؟ برای ضبط اسامی چگونه عمل کرده‌اید؟ کتاب چند جلد خواهد شد و آخرین مجلد آن چه زمانی انتشار خواهد یافت؟ چون به قول استاد فانی ما درخصوص «آب» به کتاب‌های بسیاری می‌توانیم مراجعه کنیم. اما برای داشتن اطلاعاتی مثلاً درباره «یوگسلاوی»، «یمن» یا «یهود»، مرجعی نداریم. ایشان پیشنهاد می‌کردند که بیاید از انتها شروع کنید به تدوین یک دایرةالمعارف. آخرین سؤال این که چرا نام کتاب را «فرهنگ» گذاشتید؟ در حالی که

«او» تلفظ می‌شود یا هم «آنتیگونه» را آورده‌ایم و هم «آنتیگون» را. فکر می‌کنم این کمک بزرگی برای مترجمان باشد. اما تعداد مجله‌های کتاب در زبان فرانسوی شش جلد است. ما بین ۵ یا ۶ جلد تردید داریم. یک جلد که درآمده است. امسال دو مجلد آن را منتشر خواهیم کرد، سال آینده نیز دو مجلد دیگر را و جلد ششم هم نمایه خواهد شد. فهرستی که درحال حاضر در ابتدای کتاب قرار گرفته به صورت موقت است. برای اینکه خواننده مطابق نام فارسی که نمی‌تواند کتاب مورد نظر خود را پیدا کند، به‌ناچار باید به نام نویسنده که به صورت الفبایی آمده است، مراجعه کند. در حال حاضر در مجلد اول، پنج اثر از ویکتورهوگو آمده است. این به صورت موقت آمده است تا در پایان امر به نمایه منتقل شود. فهرست دیگری نیز از عناوین اصلی کتاب آورده شده است، گمان می‌کنم کفایت بکند.

دکتر نورالله مرادی: آیا نمایه‌های دیگری نیز تهیه خواهد شد؛ مثلاً وقتی نمایه‌ای براساس نام نویسندگان تهیه می‌شود آیا نام کتاب‌هایشان هم در ذیل آن ذکر خواهد شد تا من خواننده اگر در مراجعه به فرهنگ نتوانستم نام کتاب موردنظرم را پیدا کنم با یک جست‌وجوی دیگر از طریق نام نویسنده موفق به این کار شوم؟ و آیا منظورتان از ذکر عناوین اصلی کتاب‌ها، عناوین اصلی ترجمه شده است؟

رضا سیدحسینی: نه خیر، عنوان اصلی به زبان خارجی به صورت الفبایی ذکر خواهد شد.

مهدی افشار: به نظر من اگر عناوین کتاب‌ها با ذکر ملیت نویسندگانشان تفکیک شوند، کمک بزرگی خواهد شد.

رضا سیدحسینی: گمان می‌کنم همین کاری که می‌کنیم کافی باشد.

دکتر نورالله مرادی: آیا عناوین کتاب‌ها با تلفظ اصلی آوانویسی خواهد شد؟

رضا سیدحسینی: با حروف انگلیسی و به صورت الفبایی شده.

دکتر مرادی: آیا فهرست حروف آوانویسی در آستر بدرقه یا صفحات آغازین ضبط خواهد شد؟

رضا سیدحسینی: بله، ضبط خواهد شد.



دکتر مرادی: شما فرمودید که ضبط عناوین براساس زبان اصلی صورت خواهد گرفت و از مواردی هم که مثال زدید ذکر «ستالین» به صورت «استالین» بود. درخصوص نام اول او چه خواهید کرد، آیا «ژوزف» ذکر خواهد شد یا به سبک خود گرجی‌ها «یوسف»؟ برای مثال، درخصوص ماه‌های سال، ما به دلایل زبان‌شناسی و ساخت حنجره‌ای در زبان فارسی «ژوئیه» تلفظ می‌کنیم؛ در صورتی که در زبان فرانسوی چنین نیست و اگر بخواهیم تلفظ فرانسوی آن را ضبط کنیم به نظر خیلی عجیب خواهد آمد.

رضا سیدحسینی: واژه‌هایی که جاافتاده و فارسی شده‌اند به همان صورت ذکر خواهند شد. این فارسی شده‌ها را دست نخواهیم زد. برای مثال، تلفظ «پاریس»، «پاگی» است؛ ولی چون پاریس پذیرفته شده است، ما همان پاریس را ضبط کرده‌ایم.

مهدی افشار: آقای سیدحسینی، اگر شما نمایه ملیت نویسندگان را داشتید، می‌توانستید نام‌ها را به صورت اصلی آنها در آن ملیت ضبط کنید.

رضا سیدحسینی: در این صورت هیچ کس قادر به خواندن آن نمی‌شد.

مهدی افشار: در داخل پرنانتز آوانویسی می‌شد و این کار را آسان می‌کرد.

رضا سیدحسینی: خود کتاب با حروف یونانی آورده است، ما به صورت آوانویسی خودمان ذکر کرده‌ایم.

مهدی افشار: در نمایه دست شما بازتر است. شما می‌توانید آن را داخل پرنانتز بگذارید.

رضا سیدحسینی: پس از تشکیل جلسات متعدد و گفت‌وگوهای بسیار به این نتیجه رسیدیم که این شیوه برای خواننده ایرانی مفید نخواهد بود. **مهدی افشار:** آوانویسی؟

رضا سیدحسینی: نه خیر، با حروف یونانی یا روسی نوشتن. البته کار بسیار خوبی است؛ اما برای خواننده ایرانی مفید نیست. مگر چه تعداد از افراد می‌توانند خط روسی یا یونانی را بخوانند؟

کیوان سپهر: هیئت تحریریه و ویراستاران این فرهنگ افراد قدری هستند که یکایک در کار خود صاحب‌نظرند و به قدر کافی هم وسواس به خرج داده‌اند تا توقع خواننده را برآورده سازند. پیشنهاد من این است برای این که نکته‌ای از قلم نیفتاده باشد، هیئت برای تهیه نمایه‌های لازم با یک

آثار کم ارزشی که برای خود فرانسوی‌ها مهم بوده، حذف شده است. هیئت منتخب، پس از درجه‌بندی آثار به صورت ۱، ۲، ۳ آثار درجه یک و دو را انتخاب و آثار درجه سه را حذف کرد

کتابدار اهل فن و صاحب‌نظر مشاوره‌ای بکند. البته این در صورتی ممکن خواهد شد که مؤسسه حاضر به پذیرش این موضوع شود.

رضا سیدحسینی: پیشنهاد مناسبی است و مدیرعامل سروش و همکارانشان هم مسلماً ما را یاری خواهند داد.

کیوان سپهر: در این صورت مجلد ششم هم سنگ با مجلدات پیشین خواهد شد.

رضا سیدحسینی: چاپ اول کتاب که حدود چهل سال پیش بوده است، پیوست کامل و دقیقی دارد. اما چاپ سال ۹۴ آن، دقت چاپ قبلی را ندارد. البته تمام کتاب‌های منتشر شده تا سال ۹۰ را آورده، اما از دقت و ظرافتش کاسته شده است. پیوست جدید زیاد قابل استفاده نیست.

مهدی افشار: استاد، آیا انتخاب مقالات به صورت گزینشی بوده، یعنی برخی از مقالات حذف شده است؟

رضا سیدحسینی: فقط آثار کم ارزشی که برای خود فرانسوی‌ها مهم بوده، حذف شده است. هیئت منتخب، پس از درجه‌بندی آثار به صورت ۱، ۲، ۳ آثار درجه یک و دو را انتخاب و آثار درجه سه را حذف کرد. البته بنده در حین کار برخی از آثار حذف شده را مجدداً وارد کردم. چون فکر کردم تا اندازه‌ای اهمیت دارند. ولی واقعاً آثار حذف شده

چندان با اهمیت نبودند.

مهدی افشار: معیار ارزیابی هیئت چه بود،

درجه‌بندی طبق چه اصولی صورت گرفت؟

اسماعیل سعادت: این کار بر عهده من و آقای نجفی بود. ما با مراجعه به فرهنگ‌هایی که اعلام نویسندگان را ضبط می‌کنند، نام نویسنده و عناوین کتاب‌هایش را می‌دیدیم. عناوین و آثاری را که تنها در فرهنگ آثار به آنها اشاره شده بود و دیگر فرهنگ‌ها آن را ذکر نکرده بودند، حذف می‌کردیم. **مهدی افشار:** پس ضابطه‌ای در میان بوده و این گزینش با استفاده از فرهنگ‌های دیگر صورت گرفته است.

آخرین سؤال این که، بدون تردید در طول این دوازده سال، حوادث تلخ و شیرین بسیاری بر فرهنگ آثار گذشته است. اندکی از شیرینی‌هایش برای ما بگوئید.

کیوان سپهر: جناب سمیعی بفرمایند که با چه شهامتی پیشنهاد این کار را کردند؟

رضا سیدحسینی: آقای سمیعی، اجازه می‌دهید من پاسخ بدهم؟ آقای سمیعی عاشق کارهای بزرگ هستند. حالا هم هر وقت به اتناق من می‌آیند از کار بعدی صحبت می‌کنند؛ یک دایرةالمعارف سی جلدی که مرجع تمام دانشگاهیان و روشنفکران فرانسوی است. یک دایرةالمعارف انتخابی مهم که توضیح آن درباره هر مطلبی در حد یک کتاب است و در نهایت دقت و عمق. دایرةالمعارفی که افراد تحصیلکرده فرانسوی مفتخر به استفاده از آن هستند. آقای سمیعی نظرشان این است که از این دایرةالمعارف سی جلدی یک مجموعه چهار یا پنج جلدی تهیه کنیم. ایشان هم اکنون آرزوی انجام این کار را دارند.

مهدی افشار: امیدوارم این نیز تحقق یابد؛ چون واقعاً در این حوزه خلاء داریم.

کیوان سپهر: آقای سمیعی، شما فرمودید که چطور به اندیشه این کار افتادید و چرا پیشنهاد کار را به سروش دادید که در آن روزها از توانایی مالی مناسبی هم برخوردار نبود؟

احمد سمیعی: این ماجرا برمی‌گردد به زمانی که من در «فرانکلین» مشغول بودم. در آنجا به ویراستاری اشتغال داشتم و اولین تجربه‌های ویراستاری را می‌اندوختم. مرحوم علی اصغر سروش کتابی را ترجمه کرده بود و آن را برای



ویرایش به نزد من آورد. براساس شیوه کار، ویراستار می‌بایست چکیده‌ای از کتاب را که در حد معرفی بود، برای استفاده در طراحی جلد، در اختیار طراح قرار می‌داد و همین چکیده در پشت جلد کتاب به چاپ می‌رسید. از آنجا که کتاب پر حجم بود، تهیه این چکیده باتوجه به کمبود وقت برایم دشوار بود. در آنجا به طور اتفاقی با این فرهنگ برخورد کردم و به سهولت خلاصه‌ای از کتاب مورد نظرم را از آن تهیه کردم و همان موقع به ارزش این کتاب پی بردم. البته ممکن است برخی افراد نیز با مراجعه به این فرهنگ و مطالعه چکیده یک کتاب طوری درباره کتاب صحبت کنند که دیگران فکر کنند که آنها کل کتاب را خوانده‌اند و راهی برای فخر فروختن یا نوعی سوءاستفاده باشد. در نقدی در یکی از نشریات به این نکته اشاره شده بود. اما به نظر من مزایای این کتاب قابل چشم‌پوشی نیست.

مهدی افشار: استاد، به نظر من این سوءاستفاده نیست. در ثانی، هر فخر فروختنی را که از مطالعه کتاب باشد، باید خرید.

احمد سمیعی: مطالبی هست که می‌خواستم در پاسخ به سوالاتی که اینجا مطرح شد، عرض کنم؛ از جمله آنها مشکلات ضبط اعلام است. در این خصوص، مؤسسه‌ای با اقتدار فرهنگی و مورد تأیید باید دست به کار شود و مشکل را حل کند. هم اکنون در فرهنگستان زبان و ادب فارسی طرح

ضبط اعلام توسط خانم دکتر بهزادی با مشاوره آقایان فانی، دکتر حق‌شناس، دکتر صادقی، دکتر باطنی و بنده در دست اجراست. ایشان قبلاً روی ضبط اعلام انگلیسی کار کرده و مرکز نشر دانشگاهی کتاب را منتشر کرده است.

مهدی افشار: آقای صدری افشار و خانم‌ها نسرين و نسترن حکمی هم در این باره کار کرده‌اند.

احمد سمیعی: نه خیر، این کار متفاوت است. به هر حال کاری نیست که از عهده فرهنگ آثار برآید. اما فرهنگ آثار هم کارهایی کرده است؛ از جمله این که تعدادی از صورت‌های ضبط شده دایرةالمعارف مصاحب که جافتاده و فارسی شده، ضبط کرده است. آنهایی را هم که به صورت‌های گوناگونی ضبط شده بود، یکی، دو صورت مهمترش را ذکر کرده است. در مورد اسامی یونانی ضبط مشهورتر آن را آورده‌ایم و ضبط اصلی در داخل پرانتز ذکر شده است؛ مثلاً وقتی نام «دیوناسوس» یا «ژوپیترا» آمده، ضبط یونانی آنها نیز داخل پرانتز آورده شده است. ما سعی کرده‌ایم که به نوعی مشکل را حل کنیم. اما این کار باید به وسیله یک مرجع فرهنگی معتبر مورد قبول عام حل شود.

نکته‌ای که آقای افشار اشاره کردند که چرا عناوین ترجمه شده، مشخص نشده است، باید بگویم که من از این بابت متأسف نیستم؛ چرا که

ذکر نام و عنوان آثار ترجمه شده در یک چنین فرهنگی به معنای تأیید ضمنی آن ترجمه است و ما هرگز چنین قصدی نداشتیم. به عبارت دیگر، با ذکر نام کتاب ترجمه شده به نسل جوان به طور غیرمستقیم اعلام می‌کنیم که این اثر ترجمه شده را بخوانند؛ در حالی که خود ما آن ترجمه را قبول نداریم. بسیاری از آثار آناتول فرانس ترجمه شده، ولی هشتاد درصد آنها ترجمه‌هایی هستند که هیچ قابل قبول نیستند. پس نباید در متن بیاید تا صورت توصیه‌ای پیدا نکند.

توصیه آقای سپهر هم درباره مشاوره با یک کتابدار و کتابشناس بسیار مقبول و پسندیده است. در پایان بار دیگر از آقای فیروزان یاد می‌کنم که عاشق کارهای عظیم بلندمدت بود، نه بی‌نتیجه کوتاه مدت.

مهدی افشار: از یک یک استادان محترم و نیز از جناب آقای دکتر مرادی و دکتر مقدادی برای لطفشان و گفت‌وگویشان در این نشست سپاسگزارم. نیز از اساتید محترم سیاست‌گذارم برای اثر ارجمندی که آفریدند و همت والایی که به کار گرفتند. امید است هرچه زودتر شاهد انتشار مجلدات بعدی این اثر گرانبقدر باشیم و در نشستی دیگر در باب وجوه مختلف این اثر عظیم و آثاری که بعد از این اثر بدان خواهند پرداخت، بحث و گفت‌وگو کنیم.